



یاران عزیزم، سندیکاهای سازمان دهنده‌ی شب حمایت از کارگران ایران و مبارزانشان درود بر شما، خسته نباشید. پیش از هر چیز مایلیم به اطلاع شما برسانم که تشکیل چنین شب‌هایی قطعاً برای کارگران ایران و مبارزه‌ی آنان برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و به ویژه برای دستیابی آنان به حقوق اولیه‌ای که از کفشان بیرون است بسیار ضروری است. من به سهم خود از شما سپاسگزارم.

من یک استاد دانشگاه اخراج شده، یک فعال سیاسی آزادی خواه و طرفدار طبقه‌ی کارگرم. من می‌دانم چه رنج‌هایی بر مردم ستمدیده‌ی سرزمین ما می‌رود و چرا همدلی بین‌المللی برای نجات آنها از رنج ارتجاع، سرکوب و سلطه‌های سرمایه‌داری جهانی ضروری است.

متأسفم که نتوانستم در جمع شما حضور یابم. آخرین بار که به زندان افتادم، که نه اولین بار بود و نه احتمالاً آخرین، پاسپورت من توقیف شد و ممنوع الخروج شدم. سخت است که از شما دور باشم، اما نزدیکی من با کارگران و مبارزان آزادی خواه و ضد ستم در ایران، شاید آن را تا حدی جبران کند.

دست شما را می‌فشارم. بر صورتتان بوسه می‌زنم و به شکرانه‌ی حضورم از راه دور در جمع شما، باز بر پیمانم، و پیمان همراهانم – در دفاع از حقوق مردم ستمدیده و در دفاع از دموکراسی راستین در ایران و همه جای جهان پای می‌فشارم.

فریبرز رئیس دانا

دوستدار همیشگی